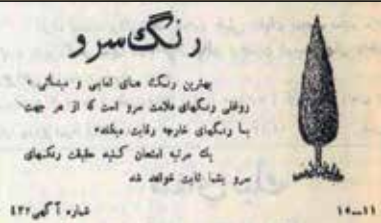




دهات خریداری
کوچک و بزرگ در هر جامی خواهید.
به بازرگانی نیک‌روش مراجعه فرمایند.
نشانی: خیابان سپه‌جنب بیمارستان دولتی.
تلفن ۶۱۳۹

ایران

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۳۹۶ ■ شنبه ۲۸ تیر ۱۳۹۹ ■ ۲۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ ■ ایران قرن بیست و نه



رنگ‌سرو
بهترین رنگ‌های لعابی و مینایی روغنی،
رنگ‌های علامت‌سرو است که از هر جهت
بارنگ‌های خارجه رقابت می‌کند. یک
مرتبه امتحان کنید، حقیقت رنگ‌های سرو به
شما ثابت خواهد شد.

افتتاح رادیو

اینجا تهران است. صدای ایران

به صدای رادیوی کوچک قهوه‌خانه یا نزدیک بلندگوی رادیو در خیابان می‌ایستادند تا ببینند در دنیا چه خبر است. در ابتدا تنها ۵ ساعت از روز صدای رادیو بلند بود، موسیقی، مثنوی و شاهنامه خوانی و خبر عمده برنامه‌های رادیو را تشکیل می‌دادند. با تأسیس اداره کل انتشارات و تبلیغات در شهریور ۱۳۱۹ امور مربوط به رادیو، خبرگزاری پارس (آژانس پارس) و مطبوعات به عهده این اداره گذاشته شد. عیسی صدیق به‌عنوان رئیس این اداره منصوب و به عبارتی نامش به‌عنوان نخستین مدیر رادیو در ایران ثبت شد. علاوه بر او نام سعید نفیسی، توسی حائری، ملک الشعرای بهار، رشید یاسمی، ذبیح‌الله صفاء، حسینقلی مستعان، قدسی رهبری و بسیاری از نام‌آوران فرهنگ و هنر ایران با تاریخ رادیو عجین است.

رادیو در ایران روزهای خوبی را شروع کرده بود، اما ورق خیلی زود برگشت. چیزی از آمدن رادیو نگذشته بود که جنگ عالمگیر دوم آغاز شد و رادیو تبدیل شد به مهم‌ترین رسانه. بعد از اشغال ایران این رسانه در آغاز راه دچار چالش‌هایی شد. فرستنده‌هایی که برای توسعه فعالیت‌های رادیو سفارش داده شده بود، تا سال ۱۳۲۷ به ایران نرسید. متفقین نظارت مستقیم و کنترل جدی بر محتوای تولیدی در رسانه‌ها و بویژه رادیو داشتند. علاوه بر این اماکن عمومی که در آنها مردم به رادیو گوش می‌دادند هم تحت کنترل بود تا مبادا کسی به سراغ امواج رادیوهای دیگر برود. کار جایی به اوج رسید که در آذرماه ۱۳۲۲ که استالین، چرچیل و روزولت برای کنفرانس تهران به پایتخت آمدند حکم کردند که فعالیت تمام فرستنده‌های مخابراتی ایران متوقف شود و رادیو تهران در پی این دستور یک هفته خاموش شد.

سال‌ها بعد از جنگ، فرستنده جدیدی به تجهیزات موجود رادیو اضافه شد. استودیویی در میدان ارگ برای پخش اخبار در نظر گرفته شد. سال ۱۳۲۷ استودیوی میدان ارگ توسعه پیدا کرد و رادیو تهران از بی‌سیم پهلوی به میدان ارگ منتقل شد.

پای جعبه جادویی رادیو کم‌کم به خانه‌ها باز شد. هر چند سال‌های ابتدایی رادیو لامپی نماد تفاخر و تجمل بود و بیشتر در خانه‌های متولان دیده می‌شد، اما به مرور حضورش آتقدر در خانه‌ها گسترش پیدا کرد که شد همدم لحظات بخش مهمی از زندگی آدم‌ها. در مقطعی از عمر هشتاد ساله رادیو موسیقی مهم‌تر و پر مخاطب‌تر از اخبار شد. رادیو مرجعی بود برای شنیدن موسیقی روز و آشنایی با هنرمندان جوان و دنبال کردن آثار استادان نامی. تأثیرات موجی که رادیو در عرصه موسیقی ایجاد کرد، همچنان در تاریخ موسیقی ماندگار است.



فرزانه قبادی/ درست چهارده سال بعد از روزی که رضاشاه بی‌سیم پهلوی را افتتاح کرد و ایران مجهر به تلگراف بی‌سیم شد، ولیعهد در یکی از اتاق‌های همان ساختمان با فشردن دکمه‌ای مجوز پخش صدا را از رادیو صادر کرد. مراسم افتتاح رادیو چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ – سالروز تاجگذاری رضاشاه – ساعت ۶ بعد از ظهر آغاز شد و تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت. در این مراسم هنرجویان مدرسه عالی موسیقی به اجرای برنامه پرداختند و ارکستر استادان با رهبری غلامحسین مین‌باشیان، مدیر مدرسه عالی موسیقی اجرا شد. احمد متین‌دفتری، در نطق افتتاحیه رادیو گفت: «سیله شنیدن رادیو در دسترس همگی گذاشته شده است. تمام اهل کشور در هر جا که باشند، آسان و بلکه رایگان از آن برخوردار خواهند بود.» ساعت هفت و پانزده دقیقه آن روز برای نخستین بار صدا از طریق امواج به گوش مردم ایران رسید. «اینجا تهران است، صدای ایران» رادیو خیلی زود شد رسانه محبوب مردم، آنها که پیش از این به دور افراد باسواد حلقه می‌زدند که اخبار روزنامه را برایشان بخواند، حالا گوش تیز می‌کردند



شعله‌های جنگ جهانی کم‌کم به کشور نزدیک می‌شود

رقابت برای سهم خواهی از ایران

و شوروی، امریکا هم باوجود اینکه هنوز با به میدان جنگ جهانی نگذاشته بود ولی تلاش می‌کرد تا سهم خود را از طریق فشار بر ایران بردارد و به‌همین منظور روز ۱۰ فروردین ۱۳۱۹ سفارت امریکا در تهران طی یادداشتی از وزارت امورخارجه ایران درخواست کرد تا آخرین نقشه‌های خطوط راه‌آهن و راه‌های شoste و مهم کشور را به این سفارت تحویل دهد. در این بین سر ریدر بولارد وزیر مختار انگلیس در تهران در نامه‌ای به تمام کنسولگری‌های کشورش در ایران اعلام کرد؛ فعالیت مهندسان و افراد آلمانی در ایران باید به‌عنوان دشمنی با منافع انگلستان تلقی شود. در شهریور ۱۳۱۹ و با گذشت حدود یک سال از شروع جنگ جهانی دوم؛ آتش جنگ هر روز بیشتر به ایران نزدیک می‌شد و اشغال کشورمان با منابع عظیم نفتی پیش از گذشته به خواسته هریک از طرفین در گیر جنگ بدل می‌شد.

شوروی قراردادی بین دو کشور به امضا رسید که هیچ کشتی که متعلق به دو کشور نباشد حق ندارد در دریای خزر کشتیرانی کند یا سفیر شوروی در تهران روز ۱۶ تیر درخواست محرمانه‌ای به دولت ایران تحویل داد که کنترل آذربایجان، سواحل دریای خزر و صدور اجازه استفاده از فرودگاه‌های ایران و راه‌آهن سراسری کشور به دولت شوروی داده شود. در این میانه انگلیسی‌ها هم با پرگزارای گردهمایی سه روزه در بمبی طرح مداخله نظامی در ایران را مورد بررسی قرار دادند و کابینه جنگ در لندن به‌دلیل منافع نفتی این کشور در ایران که نقشی حیاتی برای آنها داشت، با اعزام نیرو به خلیج فارس موافقت کرد. همچنین انگلستان که در میانه جنگ به نفت و سرمایه‌های آن نیازمند بود، تصمیم گرفت بدون اجازه از ایران، استخراج نفت در مناطق دریایی ایران را آغاز کند. در کنار انگلستان

۱۳۱۹ را باید سال ترس، سراسیمگی، سردرگمی و بلاتکلیفی پادشاهی رضاشاه دانست و با واژه «سرگبجه حکومت» از آن یاد کرد؛ اما نشانه‌های این توصیف‌ها را باید در تلاش دولت ایران در اوج روزهای جنگ برای نزدیکی به تمام طرف‌های جنگ دانست. آتش جنگ جهانی دوم هر روز کشور جدیدی را با یک حمله هوایی یا زمینی به دام خود می‌انداخت و دولت ایران که از همان ابتدای شروع جنگ (۸ شهریور ۱۳۱۸) اعلام بی‌طرفی کرده بود؛ پیش از هر زمانی ورود ارتش‌های خارجی از انگلیس گرفته تا شوروی را به خود نزدیک می‌دید. اگرچه که رضاشاه دلش با پیروزی آلمانی‌ها و هیتلر بود ولی از شکست او می‌ترسید و در این بین شوروی، انگلستان و امریکا شمشر «اموکلس» خود را بالای سر ایران قرار داده بودند و دائم سهم خواهی می‌کردند. روز ۵ فروردین با فشار اتحاد جماهیر

تاریخچه

تهیه و تنظیم: حسن مجیدی

آغاز گردآوری ترانه و افسانه‌ها



مطالب مذکور فوق می‌شوند از هر حیث آشنا باشند و به‌هیچ وجه اشتباهی ننمایند. افسانه‌هایی راجع به مصلاهی همدان و دره ملک الموت در نزدیکی تهران که از کتاب افسانه‌های سرجان ملکم ترجمه شده و مراسم دعای باران که در جنوب ایران متداول است به پیوست فرستاده می‌شود تا دستور دهید طبق نمونه‌های ارسالی شروع به گردآوری مطالب مورد نظر نمایند.

روزنامه اطلاعات – سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۹

این بخشنامه از طرف وزارت فرهنگ صادر و به کلیه اداره‌های فرهنگ استان‌ها و شهرستان‌ها ابلاغ شده است. پیرو بخشنامه‌های سابق راجع به گردآوری ترانه و افسانه و امثال اضافه می‌نماید که در بین توده عوام افسانه‌هایی در خصوص اماکن مختلف و کوه‌ها و غارها و چشمه‌ها یا درختان کهن یا بعضی عملیات و آداب و رسوم راجع به وقایع مخصوص مثلاً نیامدن باران در فصل معین و گرفتن آفتاب و ماه موجود است که مطالب مزبور از لحاظ توده شناسی بسیار جالب توجه می‌باشد. چون افسانه‌های مزبور غالباً سینه به سینه نقل می‌شود و به مرور زمان ممکن است خاطره‌ها آن افسانه‌ها را از یاد ببرد و در نتیجه گردآوری آنها مشکل شود، لذا مقتضی است به ادارات فرهنگ تابعه دستور دهید که نسبت به گردآوری این قبیل مطالب دقت مخصوصی نمایند که در هر حوزه به‌طور منظم و مرتب گردآورده شود و نمونه‌ای در دست باشد. اشخاصی که مأمور گردآوری

مرگ مشکوک ارباب کیخسرو شاهرخ



حالی که در داخل جوی آب افتاده بود، می‌بیند و فوراً موضوع را به اطلاع پلیس می‌رساند. گفته می‌شود که علت مرگ سکنه قلبی بوده است.»

اما روزنامه اطلاعات سکنه قلبی را علت مرگ کیخسرو شاهرخ ذکر می‌کند: شب گذشته ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده مجلس در یک مجلس عروسی دعوت داشت. پس از خروج از محل مهمانی، بنا به گفته راننده اش، احساس ناراحتی می‌کند و تصمیم می‌گیرد که در خیابان پهلوی قدم بزند. نیم ساعت بعد، که راننده از تأخیر ارباب نگران می‌شود و به جستجوی او می‌پردازد، جسد وی را در

کیخسرو شاهرخ مشهور به ارباب کیخسرو، متولد ۷ تیر ۱۲۵۴ در کرمان، نماینده جامعه زرتشتیان در مجلس شورای ملی از دوره دوم تا یازدهم (سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹) رئیس انجمن زرتشتیان تهران و از چهره‌های برجسته تاریخ ایران، ساعات اولیه پامداد ۱۱ تیر ۱۳۱۹ درگذشت. باقر عاقلی، پژوهشگر و تاریخ‌نگار معاصر، مرگ او را ورود اتومبیلی به پیاده‌روی خیابان کاخ و زیر گرفتن عابر می‌داند،

تغییر نام بیمارستان دولتی به سینا



از لحاظ حفظ و احیای نام بزرگان و دانشمندان ایرانی اخیراً نام بیمارستان دولتی واقع در خیابان سپه به بیمارستان سینا تبدیل گردیده و از این پس به همین نام خوانده خواهد شد.

روزنامه کوشش – جمعه ۷ تیر ۱۳۱۹

ساختمان مهمانخانه برلی مسافرفین



برای تأمین آسایش مسافران در تمام نقاط مختلف کشور از طرف شهرداری‌های شهرستان‌ها اقدامات لازم بعمل آمده است و یک عده از مهمانخانه‌های مزبور در شهرستان‌ها ساختمان‌شان به پایان و یک عده از مهمانخانه های دیگر نیز ساختمان آنها نزدیک به پایان

می‌باشد. به‌طوری که در ۳۶ نقطه کشور به شرح ذیل مهمانخانه هایی ساخته شده است. نقاط: اراک، لنگرود، لاریجان، قم، سمنان، تبریز، خوی، رضاییه، ماکو، شاهپور، سستنج، آبادان، اهواز، بروجرد، بندر عباس، زاهدان، بجنورد، تربت حیدریه، فردوس، گناباد، محمد آباد، درگز، خرم آباد، دزفول، رامهرمز، شوشتر، بو شهر، جهرم، فسا، بم، رفسنجان، کرمان، بیرجند، قائن، یزد. در بستان آباد راه تبریز، سقز، جلفا، مرحمت آباد، مهباد، قصر شیرین، کرند، کازرون و طبس ساختمان‌هایشان پایان رسیده است.

روزنامه کوشش – سه‌شنبه ۱ مرداد ۱۳۱۹

فوت کمال الملک



به موجب تلگرافی که از نیشابور رسیده آقای محمد غفاری (کمال الملک) روز یکشنبه ۲۷ مرداد در سن ۹۵ سالگی دارفانی را وداع گفته و دوستان و بستگان خود را متأثر ساخته. مراسم تشییع با احترامات لازم به عمل آمده و در آرامگاه عطار دفن شده است. محمد غفاری از هنرمندان بزرگ و صنعتگران زیر دست و عالقدری بود که همه کس او را شناخته و آثار نفیس و گرانبه‌اش در دسترس ارباب ذوق قرار گرفته و نام این استاد بزرگوار ایرانی را در داخل و خارج همه شنیده و مورد احترام و تقدیر و تحسین قرار گرفته و اینکه فوتش موجب تأثر و ضایعه بزرگی برای عالم علم و صنعت و هنر محسوب می‌گردد. فقید سعید فرزند مرحوم میرزا بزرگ کاشانی بود که در سال ۱۲۹۴ هجری در کاشان متولد گردیده و پس از تحصیلات ابتدایی و کسب کمالات و طی مراتب علمی در سال ۱۳۱۳ به اروپا مسافرت و در مراکز مهم صنعتی و موزه‌های بزرگ و معروف سال‌ها مطالعات خود را تکمیل و با ذوق و استعداد ذاتی آثار پر بهایی به‌وجود آورده که اکثر آنها زینت بخش موزه‌های بزرگ عالم قرار گرفته و نام استاد بزرگوار و هنرمند ایرانی را برای همیشه برقرار و جاویدان ساخته است. مرحوم محمد غفاری با قدرت قلم و قریحه صنعتی تنها یک استاد عالقدر نبود بلکه دارای صفات عالیه نوع پرستی و میهن دوستی بوده و با عشق و علاقه کاملی که به پیشرفت صنعت و هنر داشت به تأسیس مدرسه صنایع ظرفیه همت گماشته و بتدریج موجبات ترقی آن را فراهم و رشته

مختلفه حجاری، نقاشی، قالی بافی، منبت کاری و موزائیک را رواج کامل داده و زنده کرد و عده زیادی از جوان‌ها را تربیت نموده که آثار صنعتی و قلمی آنها هم امروز معروف و شاگردان فقید سعید و تربیت شدگان مرحوم غفاری هم از هنرمندان لایق به شمار می‌روند. فقید مرحوم در سال ۱۳۰۷ از تهران به نیشابور عزیمت و در آنجا هم با ضعف مزاج به تربیت عده‌ای توجه داشته و با وجود درد چشم و نقاهت، از مناظر طبیعی نیشابور هم چندین تابلوی نفیس و دقیقمت تهیه نموده است. فوت مرحوم غفاری که از مفاخر بزرگ و صنعتی ایران بشمار می‌رود موجب تأثر و برای ارباب هنر و صنعت بویژه شاگردان آن مرحوم اسباب تأسف بی‌پایان گردیده و یادگارهای جاویدانی که آن مرحوم از خود گذاشته نامش را برای همیشه زنده و در دین صنعتگران بزرگ عالم محسوب خواهد نمود.

روزنامه کوشش – چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۱۹

